

سرنامه نام خدا در صحیفه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده زبان‌شناسی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی

فرهنگ توصیفی اصطلاحات بودایی در متن سغدی بودایی
«سوتره علت و معلول کردار»

استاد راهنما:

دکتر زهره زرشناس

استاد مشاور:

دکتر فتح‌الله مجتبایی

پژوهشگر:

لیلا نوری کشتکار

شهریور ۱۳۹۹



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

هیأت داوران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۰۶/۳۰

پایان نامه تحصیلی خانم لیلا نوری کشتکار دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد
رشته فرهنگ و زبانهای باستانی

تحت عنوان :

واژه نامه توصیفی اصطلاحات بودایی در متن های سغدی بودایی (سوتره علت و معلول کردار)

را بررسی کردند و پایان نامه با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱. استاد راهنمای پایان نامه، خانم دکتر زهره زرشناس با مرتبه علمی استاد

۲. استاد مشاور پایان نامه، آقای دکتر فتح اله مجتبیائی با مرتبه علمی استاد

۳. استاد داور پایان نامه، خانم دکتر کنایون مزداپور با مرتبه علمی استاد

امضای رئیس پژوهشگاه

امضای مدیر گروه

امضای نماینده مدیریت تحصیلات تکمیلی

سپاسگزاری

حدود سه سال از زمانی که اولین بار قدم به پهنه زبان‌های باستانی ایران گذارده‌ام می‌گذرد، در این مدت، همواره چون کودکی نوپا از یاری استادان ارجمند و فرهیخته‌ای برخوردار بوده‌ام و به قدر توان کوشیده‌ام تا از دریای دانش این ارجمندان بهره‌برگیرم. بی‌گمان جبران لطف ایشان هرگز دست نخواهد داد و تنها آنچه از نگارنده برمی‌آید، بیان سپاس و قدردانی از لطف این بزرگواران است.

در طول این دوران همواره شیفته دانش ژرف و بیان شیوای استاد گرانمایه‌ام سرکار خانم دکتر زهره زرشناس بودم، که افتخار شاگردی ایشان برگ زرینی در دوره دانشجویی نگارنده هست و خواهد بود. همواره در پی فرصتی بودم تا از محضر ایشان بیشتر بیاموزم، تا اینکه موضوع این رساله بهانه‌ای برای این امر شد. در اینجا بر خود واجب می‌دانم راهنمایی‌های ایشان را که راهگشای بنده در نگارش این رساله بوده است، پاس بدارم و نهایت سپاسگزاری و قدردانی خود را برای خواندن این وجیزه و برطرف کردن خطاهای آن بیان دارم.

نیز سپاس بی‌منت‌های خود را تقدیم استاد دانشمند جناب آقای دکتر فتح‌الله مجتبائی می‌کنم که بر نگارنده منت نهاده وقت گرانبه‌ای خود را برای مشاوره و خواندن و تصحیح این سطور اختصاص دادند. به حق نکات ارزشمندشان چراغ راه بنده شد و ایشان برای همیشه مرا وامدار لطف خویش ساختند.

همچنین در نگارش این رساله خود را مرهون جناب آقایان دکتر حسن رضائی باغبیدی و دکتر مجید طامه می‌دانم که با اخلاق دانشی مثال‌زدنی خود علاوه بر راهنمایی‌های ارزنده‌شان، در تهیه برخی منابع نیز نگارنده را یاری کردند.

نیز باید از لطف و مهر دوستان و همکاران ارجمندم سرکار خانم‌ها جمیله حسن‌زاده و مریم رضایی تشکر کنم که در ترجمه برخی منابع انگلیسی و فرانسه کمک شایانی به بنده کردند. همچنین همسر و همراه زندگییم را لایق سپاسی از جنس عشق بی‌نهایت می‌دانم که همواره مشوق و حامی من بوده و هست.

و در پایان از بن جان، زحمات بی‌دریغ پدر و مادر عزیزم را پاس می‌دارم که همواره در سخت‌ترین شرایط زندگی حضور سبزشان و دست پرمهرشان مرا به ادامه راه سوق داده است. امیدوارم حضور اکنونم پاسخ درخوری برای مهر مادرانه و پدرانۀ ایشان باشد که تمام این سال‌ها بارش آن را بر فراز زندگییم احساس کرده‌ام.

تقدیرم بہ همسر

چکیده فارسی

سوترهٔ علت و معلول کردار متنی است بودایی که به سه زبان چینی، سغدی و تبتی یافت شده است. نسخهٔ سغدی این اثر از جمله آثار دینی این زبان و متعلق به فرقهٔ مه‌ایانهٔ آئین بوداست که به اواخر سدهٔ هشتم یا اوایل سدهٔ نهم میلادی تعلق دارد. سوترهٔ علت و معلول کردار، در واقع متنی در تبیین قانون کرمه^۱ در فلسفهٔ بودایی است. قانون کرمه قانون «هر علتی معلولی دارد» است و همهٔ موجودات ذی‌روح را شامل می‌شود. این متن شرح قانون دهرمه^۲ از زبان بوداست که می‌آموزد هر موجودی نتیجهٔ نیکی‌ها و بدی‌های خود را در زندگی یا زندگی‌های بعدی‌اش، بنا به تفکر بودایی، خواهد دید. در این رساله، اصطلاحات بودایی به‌کاررفته در متن این اثر، به‌گونهٔ توصیفی شرح داده شده‌اند. نیز این رساله در ادامه شامل یادداشت‌های مربوط به قسمت واژه‌نامهٔ توصیفی، شواهدی از کاربرد این اصطلاحات، واژه‌نامه‌های سغدی بودایی-فارسی، سغدی بودایی-سنسکریت و سغدی بودایی-چینی، نمایهٔ سغدی، سنسکریت و فارسی است.

کلیدواژه‌ها: دوزخ، مه‌ایانه^۳، کرمه، دهرمه، علت و معلول.

¹ karma

² dharma

³ Mahāyāna

فهرست مطالب

چهار	سپاسگزاری
شش	چکیده فارسی
۹	پیش‌گفتار
۲۷	بخش نخست: فرهنگ توصیفی و یادداشتهای آن
۲۹	فرهنگ توصیفی
۱۱۹	یادداشت‌ها
۱۳۱	بخش دوم: کاربرد اصطلاحات بودایی در متون مورد مطالعه
۱۶۷	بخش سوم: واژه‌نامه‌ها
۱۶۹	سغدی بودایی-فارسی
۱۷۱	سغدی بودایی-سنسکریت
۱۷۳	سغدی بودایی-چینی
۱۷۵	بخش چهارم: نمایه‌ها
۱۷۷	سغدی بودایی
۱۷۹	سنسکریت
۱۸۱	فارسی
۱۸۵	بخش پنجم: پیوست
۱۸۷	چند تصویر نخستین نسخه خطی سغدی بودایی
۱۹۳	بخش ششم: منابع و مآخذ
۱۹۵	فارسی
۱۹۷	غیرفارسی
۲۰۳	اینترنتی
	چکیده انگلیسی

فهرست جدول‌ها

- ۱۲ جدول ۱. الفبای سغدی
۱۳ جدول ۲. نظام‌های نوشتاری سغدی و شیوهٔ حرف‌نویسی و آوانویسی آن‌ها

فهرست تصاویر

- ۲۹ تصویر ۱-۱. دوزخ آویچی
۳۷ تصویر ۲-۱. پیکره‌ای بودایی با دست‌های در حال احترام
۴۳ تصویر ۳-۱. نمای داخلی یک فرخار
۴۷ تصویر ۴-۱. استوپه‌ای در سنجهی در نزدیکی بهوپال هند
۷۱ تصویر ۵-۱. زنگوله و وجره
۷۴ تصویر ۶-۱. بدهیستوه مایتریه
۸۸ تصویر ۷-۱. پیکرهٔ بودا مربوط به قرن هشتم میلادی
۹۱ تصویر ۸-۱. مجسمهٔ سفالی بدهیستوه
۹۷ تصویر ۹-۱. عمارت بزرگ بودا در تودایچی
۱۰۶ تصویر ۱۰-۱. دوزخ فریاد دلخراش

فهرست کوتاه‌نوشت‌ها و نشانه‌ها

- ۲۵ کوتاه‌نوشت‌ها
۲۶ نشانه‌ها

پیش‌گفتار

۱. جغرافیا و پیشینه تاریخی

از سرزمین سغد یا سغدیانه (Sogdiane)، نخستین بار در اوستا (به صورت suγda- «سغد» در مهریشت و ترکیب suγdō.šayana «سرزمین سغدی‌ها» در فصل اول وندیداد)، کتیبه‌های فارسی باستان (به صورت sug(u)da- و آثار نویسندگان قدیم یونان (به صورت Σόγδοι و Σόγδιήν) نام برده شده است. پس از آن، نام این سرزمین فقط به لحاظ چند اتفاق تاریخی، به‌ویژه زمانی که در سده چهارم پیش از میلاد به دست اسکندر فتح شد و بار دیگر آن هنگام که در آغاز سده هشتم میلادی به دست اعراب افتاد، پدیدار می‌شود. تاریخ سغد، در این فاصله زمانی در هاله‌ای از ابهام است (Sims-Williams 1989b: 173; Gharib 1995: xiii-xiv).

سغدیانه، ناحیه‌ای در امتداد زرافشان و کشکهدریا (بخشی از ازبکستان و تاجیکستان امروزی)، یکی از ساتراپی (شهرنشین)های شاهنشاهی هخامنشی بوده است. این سرزمین پس از آن که در قرن چهارم پیش از میلاد به دست اسکندر تسخیر شد، گاه زیر فرمان و گاهی زیر نفوذ حکومت‌های مجاور، نظیر شاهنشاهی کوشان (در سده‌های یکم و دوم میلادی)، شاهنشاهی ساسانیان (سده سوم میلادی)، فرمانروایی هپتالیان/هیاطله (سده‌های پنجم و ششم میلادی)، ترک‌های غربی (سده‌های ششم و هفتم میلادی)، و چینیان (سده‌های هفتم و هشتم میلادی) اداره شده است. معهذاً به نظر می‌رسد که تا پیش از چیرگی اعراب در سده هشتم میلادی بر آن ناحیه، از استقلالی نسبی در حکومت برخوردار بوده است (زرشناس ۱۳۸۳: ۷؛ زرشناس ۱۳۹۰: ۱۱).

مرکز و خاستگاه قوم سغد در دره زرافشان، واحه‌های پنجیکند و سمرقند بود که از آنجا به شرق و غرب سرزمین میان دو رود جیحون و سیحون پراکنده شدند و واحه‌های بخارا، فرغانه و چاچ (تاشکند) را اشغال کردند؛ از سمیراشیه (قرقیزستان کنونی) گذشتند و در سین‌کیان (ترکستان چین) و مغولستان مهاجرنشینانی تشکیل دادند و تجار آن‌ها در شهرهای بزرگ چین مستقر شدند. بی‌شک مرکز فرهنگی و سیاسی سغد، سمرقند بوده که یکی از مراکز بزرگ تجاری جاده ابریشم نیز به شمار می‌رفته است. از این پایگاه، سغدیان که انحصار تجارت ابریشم را در مسیر شرقی داشتند، همراه با دولت‌شهرهای دیگر سغدی، به کمک نیروهای انتظامی قدرت‌های زمان، بر ثبات و امنیت این راه کاروانی و پرخطر نظارت می‌کردند. تجارت با چین و دنیای غرب آسیا و ارتباط فرهنگی بین این دو قطب بزرگ فرهنگی دنیای قدیم، تمدن آنان را رونق بخشید؛

سمرقند آبادترین و ثروتمندترین شهر آسیای مرکزی و زبان سغدی، زبان ارتباط یا زبان میانجی جاده ابریشم شد و این وضعیت از قرن دوم پیش از میلاد تا سده هشتم یا نهم میلادی ادامه داشت (قریب ۱۳۸۶: ۱۸-۱۹). در میان سغدیان چندین مذهب رواج داشت، آئین بودایی، مانوی و مسیحی (آرانسکی ۱۳۷۸: ۸۵). آن‌ها دین بودایی را از پادشاهی بزرگ کوشانیان گرفته بودند. پادشاه قدرتمند این امپراتوری، کانیشکا^۱، با سیاست بوداگرایی خود موجب ترویج این آئین در قسمت بزرگی از هند و افغانستان شد. این آئین از مرز جیحون گذشت و در میان دولت‌شهرهای ثروتمند سغدی نیز طرفدارانی پیدا کرد و به این ترتیب سغد از مراکز بزرگ بودایی ماوراءالنهر، حتی تا دوران اوایل حکومت اسلامی، باقی ماند. همچنین در سال ۲۸۴ میلادی، آن زمان که بهرام دوم با فتوحات خود سغد و خوارزم را زیر سلطه ساسانیان درآورد، دین مانی و مسیح به این دیار راه یافت و همراه با دین زردشتی و بودایی و آئین‌های محلی و پرستش خدایان کهن، مجموعه‌ای از فرهنگ دوران خویش را متجلی ساخت (قریب ۱۳۸۶: ۲۳).

۲. زبان

نام زبان مردمانی که در سرزمین سغد می‌زیستند «سغدی» (sywδy'w) بوده است چنانچه در متن‌های سغدی نیز به صورت sywδy'w zβ'k با تلفظ احتمالی s(u)γ(u)δy'āu zβāk به معنای «زبان سغدی» آمده است. این زبان از گروه شرقی و شاخه ایرانی خانواده زبان‌های هندواروپایی است و به شاخه شمالی زبان‌های ایرانی میانه شرقی تعلق دارد و با دو زبان خوارزمی و بلخی در آن دوره همسایه و هم‌خانواده بود (رضائی باغبیدی ۱۳۸۸: ۹۸؛ زرشناس ۱۳۸۳: ۶). علاوه بر سغد، زبان سغدی در نواحی دیگر مانند واحه‌های ترفان در ترکستان شرقی به عنوان زبان مراودات تجاری و فرهنگی و زبان اداری و تألیف و تصنیف، و در امپراتوری ترکان اویغوری به عنوان زبان رسمی رواج داشته است (تفضلی ۱۳۸۹: ۳۵۷). همچنین به دنبال نقش مهمی که سغدی‌ها در روابط تجاری میان آسیای مرکزی و چین به دست آوردند، زبان سغدی در نخستین سده‌های میلادی (ششم تا دهم) در طول جاده ابریشم نقش زبان میانجی را پیدا کرد (آرانسکی ۱۳۷۸: ۸۵) اما به تدریج با رواج زبان فارسی از حدود سده چهارم هجری/ دهم میلادی (با فرمانروایی امرای فارسی‌زبان در خراسان و ماوراءالنهر)، از یک سو، و نفوذ زبان‌های عربی و ترکی از دیگر سو، از اهمیت افتاد ولی تا سده هفتم هجری/ سیزدهم میلادی به مثابه زبان محاوره به حیات خود ادامه داد (زرشناس ۱۳۸۱: ۶). این زبان ظاهراً تا قرن هفتم هجری/ سیزدهم میلادی در روستاهای سمرقند و بخارا (نوزده: Gharib 1995) و حتی به احتمال زیاد تا قرن دهم هجری/ شانزدهم میلادی در روستاهای اطراف بخارا زنده بوده است (زرشناس ۱۳۸۳: ۸). اکنون تنها بازمانده یکی از گویش‌های زبان سغدی، زبانی به نام یغابی است که در تاجیکستان در ناحیه کوهستانی دره علیای رود زرافشان بدان تکلم می‌شود (رضائی باغبیدی ۱۳۸۸: ۹۹).

۳. خط و ویژگی‌های آن

بررسی آثار به‌جامانده زبان سغدی نشان‌دهنده این واقعیت است که تنوع فرهنگی این آثار در خط آن نیز بازتاب یافته و بنابر ضرورت زمان و مکان و موضوع کتابت، از گونه‌های خطی متنوعی استفاده شده است. به جز یک قطعه که به خط براهمی (از خطوط هندی) نوشته شده است، متون سغدی شناخته به سه خط سغدی، مانوی و سُرّیانی که هر سه به نوعی از خط آرامی منشعب شده‌اند، نوشته شده‌اند. سه گونه اصلی این خط

¹ Kaniška

عبارتند از: ۱. خط سغدی که گونهٔ سمرقند نیز نامیده می‌شود و برای نوشتن آثار دینی و غیردینی به‌ویژه متون سغدی بودایی از آن استفاده می‌شده است؛ این خط که خط ملی سغدیان است خود به سه گونه تقسیم می‌شود: الف) خط کهن نامه‌های باستانی و دیگر متون تا سدهٔ پنجم میلادی ب) خط رسمی یا سوتره که عمدتاً (اما نه به‌طور انحصاری) برای نوشتن متون بودایی به کار می‌رفت ج) خطی متصل که با توجه به مناطق مورد استفادهٔ آن شکل‌های مختلف داشت؛ ۲. خط مانوی یا پالمیری که متون مانوی به زبان سغدی و دیگر زبان‌های ایرانی به این خط نوشته شده‌اند؛ ۳. خط سریانی که خط متن‌های سغدی مسیحی است و از خط سریانی سترنجیلی اقتباس شده است (زرشناس ۱۳۸۲: ۸۰؛ Sims-Williams 1995: xxviii; Gharib 1989b: 175, 177). همانطور که می‌بینیم متن‌های سغدی مانوی تنها به خط مانوی و متن‌های سغدی مسیحی تنها به خط سریانی نگاشته شده‌اند. اما خط سغدی، برای نوشتن تمامی انواع متن‌ها، بدون توجه به گرایش دینی کاتب آن، به کار رفته است. شروو (2003: 1) ^۱ خط به‌کاررفته در تعدادی از نامه‌های باستانی مکشوف در دیوار بزرگ چین و نیز در صخره‌نوشته‌های شمال پاکستان را خط آرامی سغدی باستان می‌نامد (زرشناس ۱۳۹۰: ۱۸-۱۹).

خط سغدی از این جهت که از خط آرامی مشتق شده، دارای هزوارش است. در نتیجه در متون این زبان شماری واژهٔ آرامی با املاهای اصلی خود و با نویسه‌های سغدی دیده می‌شود که معادل سغدی آن‌ها به تلفظ درمی‌آمده است؛ مانند CWRH «خود، تن» که در زبان سغدی [γrīw] تلفظ می‌شده است. همچنین متن‌هایی که به خط سغدی نوشته شده‌اند، به سبب تاریخ درازمدت نگارش دارای واژه‌های بسیاری هستند که با املاهای تاریخی نوشته شده‌اند. این املاهای تاریخی فقط در خط سغدی اتفاق افتاده است؛ برای نمونه واژهٔ [əxšēθ] به معنای «شاه» که مستقل از *xšāyaθya- است، در خط سغدی «xšy»^۲ و در خط مانوی xšyδ نوشته می‌شود (زرشناس ۱۳۸۳: ۹).

الفبای سغدی ۲۲ حرف دارد (← جدول ۱) و ترتیب آن از الفبای آرامی اقتباس شده است. هر سه نظام نوشتاری این خط نیز از راست به چپ نوشته شده و همخوان‌نگاراند. اما برای حرف‌نویسی هر یک نظام متفاوتی لازم است که در جدول ۲ می‌آید (همان‌جا).

^۱Skjaervø, P. O. (2003), *An Introduction to Sogdian*.

جدول ۱. الفبای سغدی

برگرفته از (بیست و پنج: 1995 Gharib)

الفبای سغدی	برابر فارسی	الفبای سغدی	برابر فارسی
𐭀	ا	𐭁	ب
𐭂	ب	𐭃	پ
𐭄	گ	𐭅	د
𐭆	د	𐭇	ه
𐭈	و	𐭉	ز
𐭊	ز	𐭋	ح
𐭌	ط	𐭍	ث
𐭎	ی	𐭏	ن
𐭐	ک	𐭑	س
𐭒	ل؛ ذ	𐭓	ع
		𐭔	ی
		𐭕	پ
		𐭖	چ
		𐭗	ق
		𐭘	ر
		𐭙	ش
		𐭚	ت

جدول ۲. نظام‌های نوشتاری سغدی و شیوه حرف‌نویسی و آوانویسی آن‌ها

برگرفته از: (Sims-williams 1989b: 176)

نام سامی	برابر فارسی	متن سغدی		متن مانوی		متن سریانی	
		< >	[]	< >	[]	< >	[]
aleph	الف	ʾ	ā, a (ə, i)	ʾ	ā, a (ə, i)	ʾ	ā, a (ə, i)
beth	ب	β (β =) f	β, f f	b (b̄ =) β	b β	b	β, b
gimel	جیم	γ	γ	g γ	g γ	g	g
daleth	دال	D ¹	-	d	d	d	δ
he	هـ	h ^r	-ā, ø	h ^r	ø	h	h ^r
vau	واو	w	w, ũ, ö	w	w, ũ, ö	w	w, ũ, ö
zain	ز	z (z/ z̄ =) ž	z, ž ž	z j	z ž, j	z ž	z ž
cheth	ح	x	x, h	h	h	ḥ	h (?) ^r
teth	طا	t ^r	-	t	t (d)	t	t (d)
jod	ی	y	y, ĩ, ě	y	y, ĩ, ě	y	y, ĩ, ě
caph	کاف	k	k (g)	k (k =) x	k x	k x	k x
lamed	لام	δ/ L	δ, θ, l	l δ	l δ, θ	l	l
mem	میم	m	m	m	m	m	m
nun	نون	n	n, m̄	n	n, m̄	n	n, m̄
samech	سین	s	s	s	s	s	s
ain	عین	ʿ	-	ʿ	ī	γ	γ
pe	پ	p p̄ ^Δ	p (b), f f	p (p̄ =) f	p (b) f	p f	p (b) f
tzaddi	صاد	c	č. (j)	c	č (j)	c	č (j), ṣ
koph	قاف	q ^f	-	q	k	q	k (g)
resh	ر	r	r, ^r , l	r	r, ^r	r	r, ^r
schin	شین	š	š	š	š	š	š
tau	ت	t	t (d)	t	t (d)	θ	θ

^۱ فقط در هزوارش‌ها به کار رفته است.

^۲ فقط در جایگاه پایانی واژه به کار رفته است.

^۳ [1] و [h] تقریباً منحصراً در واژه‌های بیگانه می‌آیند.

^۴ به کار نرفته است.

^۵ تنها در دست‌نوشته‌های مانوی آمده است.

^۶ فقط به عنوان عدد ۱۰۰ به کار رفته است.

درباره واژه‌ها و همخوان‌های زبان سغدی نظرها بسیار متفاوت است. آنچه می‌توان تاحدودی مسلم انگاشت این است که زبان سغدی دارای واج‌های زیر بوده است. بقیه آواهای به‌کاررفته در متون سغدی یا پیشنهادشده توسط سغدشناسان (مثلاً: مصوت‌های e, o, ə و صامت‌های b, d, g, ĵ, ŋ را باید واج‌گونه‌های این واج‌ها به شمار آورد:

واکه‌ها: /a, i, u, ā, ī, ū, ē, ō/

همخوان‌ها: /p, t, k, č, f, β, θ, δ, s, z, š, ž, x, γ, m, n, w, r, y/ (رضائی باغبیدی ۱۳۸۸: ۱۰۵).

در هر سه نظام نوشتاری سغدی واژه‌ها به ترتیب زیر نمایانده می‌شوند:

۱. واژه‌های بلند:

دو حرف < > و < > در آغاز واژه برای نشان دادن واج [ā]؛ حرف < y > برای نشان دادن واج‌های [ē] و [ī]؛ حرف < w > برای نشان دادن واج‌های [ō] و [ū].

۲. واژه‌های کوتاه در میان دو همخوان:

حرف < y > برای نشان دادن واج‌های [e] و [i]؛ حرف < w > برای نشان دادن واج‌های [o] و [u].

۳. واژه‌ها در آغاز واژه‌ها:

حرف < > برای نشان دادن واج‌های [ā]؛ حرف < > برای نشان دادن واج‌های [a], [ə] و گاهی [ā]؛ حرف < y > یا < y > برای نشان دادن واج‌های [ē] و [ī]؛ حرف < y > برای نشان دادن واج [i]؛ حرف < w > برای نشان دادن واج [o] (زرشناس ۱۳۹۰: ۲۴).

یکی از ویژگی‌های مهم آوایی زبان سغدی که آن را از دیگر زبان‌های ایرانی میانه متمایز می‌کند، حفظ همخوان‌های بی‌واک ایرانی باستان *p, *t, *k, *c در همه مواضع و حتی پس از واژه‌هاست: wāt- «باد»، از ایرانی باستان *vata- در زبان سغدی، همخوان‌های واکدار ایرانی باستان *b, *d, *g, *z، به همخوان‌های سایشی /β, δ, γ, ž/ بدل شده‌اند: βαγ «بغ، خدا»، از ایرانی باستان *baga- همخوان‌های باستانی *b, *d, *g, *z فقط پس از خیشومی‌ها باقی مانده‌اند؛ از این‌رو، باید آن‌ها را واج‌گونه به شمار آورد: sang- «سنگ»، از ایرانی باستان *asanga- همخوان l فقط در یک واژه اصیل در سغدی مسیحی دیده شده است: wilarz- «لرزیدن». در دیگر موارد، این همخوان و همخوان h، فقط در واژه‌های دخیل به کار رفته‌اند: Habēl «هابیل» (رضائی باغبیدی ۱۳۸۸: ۱۰۶).

و اما در مورد دستور این زبان، از آنجا که دستور زبان سغدی مقوله بسیار گسترده‌ای است، نگارنده از ورود به این حوزه صرف‌نظر کرده است؛ برای آگاهی از آن می‌توانید نگاه کنید به:

1. Gershevitch, I. (1954), *A Grammar of Manichean Sogdian*, Oxford.

۲. قریب، بدرالزمان (۱۳۸۶ الف)، *مطالعات سغدی*، به کوشش محمد شکر فومشی، تهران، صص ۵۳-۱۴۶.

۳. زرشناس، زهره (۱۳۹۰)، *دستنامه سغدی*، تهران.

۴. اسناد و ادبیات

آثار سغدی شامل مجموعه بزرگی از نوشته‌هایی است که تاریخ آن‌ها به سده دوم تا دهم میلادی بازمی‌گردد (زرشناس ۱۳۹۰: ۱۱). حجم متون بازمانده سغدی و تنوع آن‌ها بیش از دیگر زبان‌های ایرانی میانه شرقی است.

آثار بازماندهٔ این زبان را در واحهٔ ترخان^۱ در ترکستان چین، به‌خصوص بولایق، یارخوتو، مورتوق، سنگیم و تیوق، در کتابخانهٔ یکی از غارهای هزاربُودا در تون‌هوانگ^۲ چین، در خرابه‌های دژی در کوه مُغ در نزدیکی پنجیکند در تاجیکستان، در شهر کهن افراسیاب در نزدیکی سمرقند ازبکستان، در شمال پاکستان، در مغولستان، قرقیزستان، لداخ و حتی در یکی از برج‌های دیده‌بانی دیوار چین یافته‌اند. اکنون اصلی‌ترین مجموعهٔ دست‌نوشته‌های سغدی در گنجینه‌های برلین، پاریس، لندن و لنینگراد نگهداری می‌شوند (رضائی باغ‌بیدی ۱۳۸۸: ۹۷؛ Sims-Williams 1989b: 173, 174).

مطالعهٔ متون سغدی در نخستین سال‌های قرن بیستم آغاز شد. آن زمان که محققان آلمانی با مطالعه بر روی یک متن مکشوف از ترخان، این زبان تا آن روز ناشناخته را «سغدی» نامیدند. هرچند ابوریحان بیرونی حدود هزار سال پیش با ذکر نام روزها و ماه‌ها و جشن‌های سغدی، تلویحاً به این زبان اشاره کرده بود؛ اما در قرن بیستم است که زبان سغدی تولدی دوباره یافت (نوزده و بیست: Gharib 1995).

قدیم‌ترین دست‌نوشته‌ای که از زبان سغدی به جا مانده، قطعه‌ای است حاوی ترجمهٔ سغدی دعای اشم‌وهو که مربوط به هزار سال پس از حملهٔ اسکندر به ایران و محل کشف آن «غارهای هزاربُودا» در نزدیکی «تون‌هوانگ» است (Sims-Williams 1989b: 174).

آثار به‌جاماندهٔ سغدی را برحسب موضوع، می‌توان به دو دستهٔ عمدهٔ آثار غیردینی و آثار دینی تقسیم کرد. آثار غیردینی سغدی مشتمل بر نوشته‌های روی سکه‌ها، اشیاء سیمین، منسوجات، چرم، سفالینه‌ها و سنگ‌های گران‌بهاست (تفضلی ۱۳۸۹: ۳۵۷-۳۵۸). کهن‌ترین آثار غیردینی سغدی عبارتند از: ۱. سکه‌ها؛ که منتسب به سدهٔ دوم میلادی هستند؛ و ۲. نامه‌های باستانی؛ که از نظر زبانی می‌توان جزو قدیم‌ترین اسناد سغدی محسوب داشت. این اسناد در دیوار مرزی بین تون‌هوانگ و لویان یافت شده و مربوط به اوایل سدهٔ چهارم میلادی هستند (Sims-Williams 1989b: 174). نیز از دیگر آثار غیردینی می‌توان ۳. آثار مکشوفه در سندعلیا، ۴. کتیبهٔ بوگوت، ۵. کتیبه‌های افراسیاب، ۶. کتیبه‌های پنجیکند، ۷. آثار کوه مغ، ۸. کتیبهٔ لادک، ۹. کتیبهٔ قره‌بلگسون، ۱۰. کتیبه‌های قرقیزستان و... را نام برد (نک. تفضلی ۱۳۸۹: ۳۵۸-۳۶۲؛ زرشناس ۱۳۸۱: ۶-۸؛ زاهدی ۱۳۷۷: ۱۳۸۶ب: ۱۶۵؛ Sims-Williams 1989b: 174).

غیر از آثاری که در بالا نام آن‌ها برده شد، با توجه به حجم گستردهٔ آثار دینی، نوشته‌های سغدی را باید در شمار متون دینی قلمداد کرد که به دورانی در حدفاصل سده‌های هشتم و یازدهم میلادی تعلق دارند و در مهاجرنشین‌های سغدی در واحهٔ ترخان و تون‌هوانگ به رشتهٔ تحریر درآمده‌اند. این متون متعلق به پیروان ادیان بودایی، مسیحی و مانوی هستند (زرشناس ۱۳۸۱: ۸).

ادبیات مانوی: مجموعهٔ اصلی سغدی مانوی، مجموعهٔ ترخان در برلین است. مهم‌ترین آثار سغدی مانوی که دربرگیرندهٔ ترجمهٔ سغدی سرودها و متن‌های مربوط به کتاب‌های دینی مانوی از اصل فارسی میانه و پارتی، یا آثاری است که اصلاً به زبان سغدی نوشته شده‌اند، مشتمل است بر توبه‌نامه‌ها، داستان‌ها و تمثیل‌ها، سروده‌های کوچک و بزرگ، تاریخ کلیسای مانوی یا سرگذشت دین. متأسفانه هیچ قطعهٔ کاملی در این میان نیست و همهٔ آن‌ها بسیار آسیب‌دیده و تکه‌پاره‌اند (همو: ۹-۱۰). (برای آگاهی از ادبیات سغدی مانوی نک. بیست و یک-بیست و دو: Gharib 1995)

¹ Turfan

² Touen-houang

ادبیات مسیحی: همه دست‌نوشته‌های سغدی مسیحی از کلیسای نستوری بولاییق در شمال ترفان کشف شده و به مجموعه ترفانی آلمان تعلق دارند. این متون معمولاً ترجمه بخش‌هایی از کتاب مقدس سریانی هستند. متأسفانه این مجموعه نیز چندان از آسیب در امان نمانده و بخشی از آن‌ها نابود شده‌اند. این مجموعه علاوه بر متون انجیلی، نمونه‌هایی هم از اغلب گونه‌های ادبی متداول در سریانی نظیر موعظه‌ها، شرح حال قیسان، کلمات قصار، تفسیر و مزامیر دارد (Sims-Williams 1989b: 175). (برای آگاهی از ادبیات سغدی مانوی نک. بیست و دو: Gharib 1995)

ادبیات بودایی: ادبیات سغدی بودایی که شاید پرجمع‌ترین آثار ادبی زبان سغدی باشد، نوعی ادبیات ترجمه‌ای و مشحون از اصطلاحات فلسفی و احکام آئین بوداست. اغلب متون سغدی بودایی ترجمه متون چینی‌اند؛ گرچه این احتمال وجود دارد که شمار اندکی از آن‌ها مستقیماً از اصل هندی گرفته شده باشند و دست‌کم یک مورد آن‌ها ترجمه از زبان کوچایی است (Henning 1940: 59-62). بسیاری از این آثار به شیوه سوتره‌های هندی نوشته شده است و بعضی نیز ترجمه‌های جاتکه‌ها^۱ (داستان‌های زندگی بودا) و اودانه‌ها^۲ (مقوله‌ای از داستان‌های روایی هند) هستند (تفضلی ۱۳۸۹: ۳۶۲-۳۶۳). محتوای این متون بازتاب مکتب مهاییانه بودایی است که در آسیای میانه و چین بیشترین پیرو را داشت. بیشتر متون بودایی در اوایل قرن بیستم، در یکی از غارهای هزاربودای تون‌هوانگ چین کشف شده‌اند. در میان معابد تودرتوی بناشده در دل غارها، کتابخانه‌ای با مجموعه قابل‌ملاحظه‌ای از دست‌نویس‌های سغدی کشف شد. این کتابخانه مدت ۹۰۰ سال با دیوار نازکی از غار اصلی جدا و از دستبرد زمان برکنار مانده بود و به همین جهت گنجینه متون آن نسبت به متون دیگر سغدی از کیفیت بهتری برخوردار است. مجموعه کتابخانه ملی پاریس بیشترین متون سغدی بودایی را، که رهاورد سفر پلیو^۳ به این غارها بود، در بر دارد. وسستره جاتکه^۴ یا داستان تولد بودا طولانی‌ترین این متون است که می‌توان آن را تألیفی مستقل از روایات دیگر دانست (بیست - بیست و یک: Gharib 1995). دیگر اثر مهم سغدی بودایی سوتره علت و معلول کردار است که دست‌نوشته‌ای بر روی طومار مربوط به اواخر سده هشتم و اوایل سده نهم میلادی است. این متن در تبیین قانون کرمه^۵ در فلسفه بودایی نوشته شده است (رضائی باغبیدی ۱۳۹۲ الف: ۱۱، ۱۲).

نیز رساله‌های دیگری در مجموعه‌های آثار سغدی بودایی به چاپ رسیده است که مفصل‌ترین آن‌ها متون سغدی محفوظ در کتابخانه ملی پاریس است. در این مجموعه علاوه بر متون خاص بودایی، متن‌هایی نیز که اختصاصاً جنبه دینی ندارد، مانند متون پزشکی، طلسم باران و بعضی اندرزها و سخنان حکیمانه و قطعه‌ای از داستان رستم نیز آمده است (تفضلی ۱۳۸۹: ۳۶۳).

از میان تمام متون سغدی بودایی، همه متن‌های سالم در مجموعه‌های پاریس و لندن نگهداری می‌شوند. دست‌نوشته‌های ترفان در برلین و دست‌نوشته‌های تون‌هوانگ و جاهای دیگر در لنینگراد همگی دچار پارگی شده و قطعات کاملی نیستند (Sims-Williams 1989b: 174-175).

¹ Jātaka

² avadāna

³ Pelliot

⁴ Vessantara Jātaka

⁵ karma

متن‌های سغدی بودایی، به استثنای متن وسستره جاتکه، ارزش ادبی ویژه‌ای ندارند و صرفاً برای سنجش و بازسازی متن‌های متناظر در زبان‌هایی به غیر از سغدی می‌توانند کاربرد داشته باشند. شمار بسیاری از این متن‌ها با متن‌های چینی موجود همخوانی دارند و به‌خصوص در میان متن‌های سغدی بودایی، که تاکنون به چاپ رسیده است، یک دوجین ترجمه کم‌وبیش نزدیک به متن‌های موجود چینی، که می‌توانسته‌اند اساس ترجمه سغدی باشند، شناخته شده است. اما هنوز امکان تشخیص هویت تمامی متن‌های سغدی بودایی وجود ندارد (زرشناس ۱۳۸۰ الف: یازده / مقدمه).

برخی محققان نظیر اوتز (1980: 12-13)^۱ این ادبیات را از دو دیدگاه شایسته بررسی می‌داند. اول آنکه معیار انتخاب متن‌های چینی، که به سغدی ترجمه شده‌اند، چه بوده است. و دوم آنکه برخی متن‌های سغدی را نمی‌توان با هیچ یک از نسخه‌های موجود چینی درباره مطالب خاص آئین بودا، که احتمالاً متن سغدی بودایی ما آن‌ها را باز می‌نمایند، مطابقت داد؛ که در این مورد باید متن‌های متناظر یا مشابهی را یافت که تا حد امکان به آن متن‌ها نزدیک باشد (همان‌جا).

از آنجا که ادبیات سغدی بودایی آیینی و ویژگی‌هایی چند از ادبیات بودایی چینی معاصر خود است، بررسی و مطالعه دقیق متن‌های سغدی، به عنوان بازتاب پیش‌نمونه‌های چینی آن‌ها، می‌تواند پس از گردآوری متن‌های منطبق، متناظر و یا مشابه بودایی چینی صورت گیرد. نیز برای رسیدن به توصیفی صحیح از زبان ترجمه‌ای ادبیات سغدی بودایی و دستور زبان آن، بهتر است بر ادبیات بودایی به زبان چینی متکی بود تا بر بررسی و مطالعه خویشاوندی زبان سغدی با دیگر متن‌های سغدی (همو: دوازده / مقدمه).

۵. مطالعات سغدی بودایی

مطالعه آثار بازمانده ادبی بودایی به زبان سغدی، در نخستین سال‌های قرن حاضر، با کشف قطعاتی از دست‌نوشته‌های زبان سغدی در بخشی از آسیای مرکزی، واقع در چین، آغاز گردید. اکتشافات هیئت‌های انگلیسی، فرانسوی و روسی، به سرپرستی اشتاین^۲ در ۱۹۰۷، پلیو در ۱۹۱۰ و اولدنبرگ^۳ در ۱۹۱۸، در حوالی واحه تون هوانگ، و آثار مکشوف توسط دو هیئت آلمانی، به هدایت گرونودل^۴ در ۱۹۰۶ و لوکوک^۵ در ۱۹۲۶ در ترفان، در کشف آثار سغدی بودایی از اهمیت خاصی برخوردار است. گوتیو^۶ دانشمند فرانسوی، نخستین کسی بود که به رمزگشایی متن‌های سغدی بودایی پرداخت (زرشناس ۱۳۸۰ الف: پانزده / مقدمه). او با کمک روایات چینی همانند، دو متن آن را در همان اولین سال‌های آغاز مطالعات سغدشناسی خواند و به فرانسه ترجمه کرد؛ که به متن‌های سوتره علت و معلول کردار (SCE) و برهمن ناخن‌دراز (DN) معروفند. پس از آن بررسی متن‌های سغدی بودایی با گسترش تدریجی حوزه پژوهشگران، مراحل کمال را پیموده است (زرشناس ۱۳۸۰ الف: پانزده / مقدمه؛ بیست و یک: Gharib 1995).

¹ Utz, D. A. (1980), "A Survey of Buddhist Sogdian Studies", *Bibliographia Philologica Buddhica*, Series Minor, III. Tokyo, II. pp. 1-25.

² Stein

³ Oldenburg

⁴ Grünwedel

⁵ Le coq

⁶ Gauthiot

۶. مطالعات سغدی بودایی در ایران

غیر از آثار متعددی که به زبان فارسی در زمینه زبان سغدی، در کل، موجود است، از جمله آثار معدودی که در آن‌ها منحصرأ به سغدی بودایی پرداخته شده به استثنای چند عنوان مقاله با نام‌های «واژه اهریمن در ادبیات سغدی بودایی»^۱، «مفهوم دوگانه دیو در ادبیات سغدی»^۲ و «فر»^۳، به قلم استاد ارجمند خانم دکتر زهره زرشناس، به این موارد می‌توان اشاره کرد: *شش متن سغدی (بخش نخست)* (نک: زرشناس، زهره (۱۳۸۰ الف))، *روایتی از تولد بودا (متن سغدی و سنسکریت جاتکه)* (نک: قریب، بدرالزمان (۱۳۸۸))، *سوتره علت و معلول کردار (متنی بودایی به زبان سغدی)* (نک: رضائی باغبیدی، حسن (۱۳۹۲ الف)) و *نامه خاتون ارگی و صد و نوزده پاره‌نوشتار سغدی*^۴ (بخشی از قطعات این کتاب مربوط به آئین مانوی و بخشی دیگر به آئین بودایی مربوط است).

۷. بودا و آئین او

در سرزمین کاپیلاوستو^۵، جایی در نپال کنونی که امروزه لومبینی^۶ نامیده می‌شود، حدود سال ۵۰۰ قبل از میلاد شاهزاده‌ای متولد شد که پدرش شوذهنده^۷ از قبیله شاکیه^۸ و مادرش مایاودی^۹ از خاندان‌های بانفوذ طبقه کشتریه‌ها^{۱۰} یا جنگاوران، مدت‌ها در آرزوی داشتن فرزند پسری بودند. آن‌ها او را سیدهارتهه گئومه^{۱۱} (= سیدارته گئومه) به معنی «کسی که اهدافش برتر است» نام نهادند که البته بعدها به عنوان افتخاری شاکیه‌مونی «دانای قبیله شاکیه» ملقب می‌شود. خواب‌گزاران و پیشگویان طالع او را بسیار فرخنده یافتند. بر طبق پیشگویی آنان سیدارته در آینده یا یک پادشاه آسمانی می‌شد و یا یک بودا. از این رو پدر او تلاش می‌کرد تا سیدارته را از دیدن نشانه‌های بیماری، پیری و مرگ دور نگه دارد. از آنجا که مادر سیدارته بعد از تولدش می‌میرد همسر دوم شوذهنده، مَهاپراجپتی^{۱۲} که خاله او نیز بود، وظیفه پرستاری و تربیت او را عهده‌دار می‌شود. سیدارته در کاخ شاهی پدر که از همه امکانات رفاهی برخوردار بود رشد کرد و بالید. او در جوانی با دختری زیبارو به نام یَشدهرا^{۱۳} ازدواج کرد و صاحب فرزند پسری به نام راهوله^{۱۴} شد. اما علی‌رغم کوشش پدر برای دور نگه داشتن سیدارته از نشانه‌های پیری، بیماری و مرگ روزی در سن ۲۹ سالگی در بازدیدی که به

^۱ زرشناس، زهره (۱۳۷۹)، «واژه اهریمن در ادبیات سغدی بودایی»، *نامه فرهنگستان*، س ۴، ش ۴، صص ۴۲-۵۱.

^۲ زرشناس، زهره (۱۳۸۵)، «مفهوم دوگانه دیو در ادبیات سغدی»، *نامه فرهنگستان*، ش ۳، صص ۱۴۰-۱۴۸.

^۳ زرشناس، زهره (۱۳۸۰)، «فر»، *فرهنگ (فصلنامه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)* (ویژه زبانشناسی)، س ۱۴،

شماره‌های اول و دوم پیاپی ۳۷-۳۸، صص ۳۸۹-۴۰۳.

^۴ زرشناس، زهره و عسگری، لیلیا (۱۳۸۸)، *نامه خاتون ارگی و صد و نوزده پاره‌نوشتار سغدی*، تهران.

^۵ Kapila-vastu

^۶ Lumbini

^۷ Śuddhodana

^۸ śākya

^۹ Māyādevī

^{۱۰} kṣatriya

^{۱۱} Siddhārtha Gautama

^{۱۲} Mahāprajāpati

^{۱۳} Yaśodhara

^{۱۴} Rāhula

همراه او از شهر انجام می‌داد یک پیرمرد، فرد بیمار، یک جنازه و دست آخر مرد زاهدی را مشاهده کرد. به این ترتیب او رنج‌های آدمیان را به چشم دید و دیگر هیچ گاه از زندگی شاهانه‌اش خشنود نبود زیرا می‌دانست که مانند هر موجود دیگری روزی دچار بیماری، پیری و مرگ خواهد شد؛ پس تصمیم به ترک خانه گرفت. او ردای راهبان را به تن کرد، موهای سر را تراشید و زندگی زاهدانه بی‌خانمانی را در پیش گرفت. سیدارته بزرگان مهم زمانه کیش یوگا^۱ را ملاقات کرد و کوشید از طریق این کیش به «رهایی» برسد. اما پس از آنکه آنکه نتوانست از این طریق به کشف حقیقت برسد، برای مدت شش سال به ریاضت‌های طاقت‌فرسا و تحمل گرسنگی روی آورد. در این مدت پنج نفر جزو پیروان و مریدان او درآمدند. پس از گذشت شش سال سیدارته این راه نیز برای رسیدن به هدف نهایی یعنی رهایی از رنج بی‌حاصل دانست و تصمیم گرفت در محلی به نام بوده‌گیا^۲ (= یا: ۲۲) زیر درختی که بوداییان بعدها آن را درخت بدهی^۳ نامیدند بنشینند و تا زمانی که حقیقت را کشف نکرده از جای برنخیزد. و سرانجام پس از هفت سال که از ترک خانه‌اش می‌گذشت در نهایت در زیر این درخت به بودایی (= روشن‌شدگی) رسید. پس از گذشت ۴۹ روز که در زیر این درخت سپری کرد ناگهان چشم درونش بیدار و حقیقت بر او آشکار شد و از آن زمان «دانای کل» شد و بدهه^۴ (= بودا) «بیدار شده، آگاه‌شده» لقب گرفت (رضائی باغبیدی ۱۳۹۲ الف: ۷؛ قریب ۱۳۸۸: ۴۹؛ Bechert 2003: 83, 85; Monier-Williams 1899: 733, col. 1-2).

او پس از رسیدن به بودایی، چندین روز در حالت مراقبه و تفکر عمیق باقی ماند و پس از آن برای نخستین بار در شهر وارانسی^۵ یا بنارس و پس از آن در نزدیکی بنارس در شهری با نام رشی‌پتنه^۶ سخنرانی کرد و در آن‌ها به تعلیم «چرخ دهرمه»^۷، راه میانه بین بالاترین درجه تحمل و زهد و پرهیزگاری، چهار حقیقت شریف (= یا: ۴۳) و هشت راه جلیل پرداخت (= یا: ۴۴) پرداخت (Bechert 2003: 83-84). به تدریج شاگردان زیادی به بودا پیوستند، او انجمن راهبان را تشکیل داد و چهل و پنج سال به تعلیم آموزه دین خود (دهرمه) پرداخت و دیگران را برای رسیدن به روشن‌شدگی هدایت کرد (idem: 84) و سرانجام به روایتی در سال ۴۸۳ پیش از میلاد در سن ۸۰ سالگی در کوشینگره^۸ درگذشت و به پری‌نیروانه^۹ (= نیروانه نهایی) دست یافت. پس از درگذشت بودا به تدریج اختلافاتی در میان بزرگان آئین بودایی پدید آمد که در نهایت منجر به پیدایی دو شاخه بزرگ هینه‌یانه^{۱۰} و مه‌ایانه^{۱۱} گردید (رضائی باغبیدی ۱۳۹۲ الف: ۱۰؛ Bechert 2003: 84).

¹ Yoga

² Bodh Gayā

³ bodhi

⁴ Buddha

⁵ Vārāṅṣī

⁶ R̥ṣīpatana

⁷ dharma

⁸ Kuśīnagara

⁹ parinirvāṇa

¹⁰ Hīnayāna

¹¹ Mahāyāna

دین بودا، به سرعت مرزهای هند را درنوردید و در شرق آسیا و آسیای مرکزی گسترش یافت. کانیشکا، امپراتور کوشانی (حدود ۷۸-۱۰۰ میلادی)، را باید یکی از بزرگترین پشتیبانان این آئین به شمار آورد زیرا در زمان او، دین بودایی در سراسر افغانستان کنونی گسترش یافت و به سرزمین سغد نیز راه یافت. آئین بودا به چین نیز رسید و سپس از آنجا به دیگر سرزمین‌های شرق دور گسترش یافت (رضائی باغبیدی ۱۳۹۲ الف: ۱۰-۱۱). دیگر سرزمین ایرانی که در فاصله سال‌های ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ م نقش مهمی در گسترش دین بودایی برعهده داشت، پادشاهی ختن بود. بیشتر دست‌نوشته‌های بازمانده ختنی ترجمه آثار بودایی فرقه مه‌ایانه از سنسکریت یا دیگر زبان‌های هندی هستند (همان‌جا).

۸. سوتره علت و معلول کردار

«سوتره» واژه‌ای سنسکریت از ریشه siv- «دوختن»، تحت‌اللفظی به معنی «نخ، رشته، بند، ریسمان» و در اصطلاح به معنای «گفتار» است و مراد از آن، سبک نگارش مبانی فلسفی به صورت ابیات و سوره‌های بسیار کوتاه و مختصر است که مطالب را به اختصار و ایجاز هرچه تمام‌تر بیان می‌کند. در اصطلاح آئین بودا نیز به هر متنی گفته می‌شود که دربردارنده سخنرانی‌های بودا یا شاگردانش است (ولفگانگ شومان ۱۳۶۲: ۱۰۵؛ Monier-Williams 1899: 1241, col. 3; Humphreys 1984: 222).

دست‌نوشته سوتره علت و معلول کردار متنی بودایی است به زبان سغدی که پلویو آن را در سال ۱۹۰۸ در غارهای هزاربودای تون‌هوانگ در چین به همراه دست‌نوشته‌های دیگری به زبان سغدی یافت. این نسخه خطی طوماری به طول هفت متر است که از به هم پیوستن لب‌به‌لب ۱۶ برگ کاغذ از جنس چینی تشکیل شده است و اکنون با نشانه اختصاری Pelliot 3515 در کتابخانه ملی فرانسه نگهداری می‌شود. این طومار ۵۷۱ سطر دارد و احتمالاً متعلق به اواخر سده هشتم یا اوایل سده نهم میلادی است زیرا در پایان دست‌نوشته، عنوان آن به زبان و خط چینی مربوط به این دوره زمانی قید شده است. آوانویسی چینی عنوان این سوتره به صورت Chan ngo yin kou king خوانده و «سوتره علت و معلول نیک و بد» ترجمه می‌شود. در عبارت دیگری به خط چینی قرن دهم که آوانویسی آن Ts'ao kin fai king yi، ترجمه تحت‌اللفظی آن «سوتره تسائو کین‌تای، یک»، و معنی آن «سوتره متعلق به تسائو کین‌تای» است، درحقیقت مالک نسخه، که شخصی به نام تسائو کین‌تای^۱ است، معرفی شده است (Gauthiot & Pelliot 1926: v).

پلویو نسخه اصل چینی این متن را در مجموعه تری‌پیتکه^۲ چینی که در کیوتوی ژاپن منتشر شده بود، یافت و در مقایسه‌ای که با نسخه سغدی کرد متوجه شد که این دو نسخه کلمه به کلمه با هم مطابقت می‌کنند. از دیگر موفقیت‌های پلویو این بود که توانست ترجمه‌ای تبتی از همین متن را نیز شناسایی کند (idem: v-vi).

نسخه سغدی سوتره علت و معلول اولین متن بلند سغدی بودایی بود که به شکل کتاب منتشر شد. در سال ۱۹۲۰ یک چاپ عکسی عالی از این متن انتشار یافت و به دنبال آن در سال ۱۹۲۶ گوتیو آن را حرف‌نویسی و ترجمه کرد و همراه با ترجمه حاشیه‌نویسی شده‌ای که پلویو از اصل چینی آن انجام داده بود به چاپ رساند. واژه‌نامه این متن نیز در سال ۱۹۲۸ توسط این دو محقق منتشر شد. در طول قرن بیستم

¹ Ts'ao Kin-fai

² Tripitaka